

Research Paper

Analyzing the opportunities and threats of postmodernism from the point of view of moral and religious values with emphasis on implications for educational managers.

Parisa Farrokhinejad

PhD in Philosophy of Education, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

Received:2022/5/26

Accepted:2021/1/6

PP:171-181

Use your device to scan and read the article online



DOI:

[10.30495/JEDU.2022.30511.6117](https://doi.org/10.30495/JEDU.2022.30511.6117)

Keywords:

postmodernism, opportunities and challenges, ethica. religious values. educational managers.

Abstract

Introduction: In cogitatione recenti, metanarrationes negantur et nulla veritas aeterna et aeterna est quae vitam humanam uti idealem potest regere. Mores relativi existimant et omnia bona, etiam religiosa, intellectualia esse oriuntur, verbaque ut veritas repudianda est. Propositum huius inquisitionis est opportunitates et minas recentismi enucleare ex parte valorum ethicorum et religiosorum. Modus adhibitus in hac investigatione theoretica est accessus qualitativus analytico-criticus et usus systematis categorici inductiva. Inventiones ostendunt religionem et religiosam et moralem bona et ad res fixas reverti posse magni ponderis momentum, ut recentem ab his quaestionibus liberaret. res supernaturalis et moralis res ad homines refertur, quae per culturam et communicationem inter homines determinatur. Sed recte res est, quod religio potest esse fundamentum moralitatis ac fideiussoris, religio potest facile condere disciplinas morales et ferro validas. Officia moralia hominum immutabilia sunt coram Deo et, dum considerantur officia, fortasse populus intellectualis recentioris aetatis obicere potest haec difficilia et gravia officia eorumque executionem hominibus impossibilia esse, at sciendum est. Deum ex facultate Hominis munus illis assignare.. In the modern theory, emphasis is placed on the effects of leadership and the study of the legal position of the leader in the bureaucracy, but in Franvin, the focus is on how the leadership process is. In educational organizations of the postmodern era, the focus is on empowering human resources. The purpose of this research is to analyze the opportunities and threats of postmodernism from the point of view of ethics and religious values, emphasizing the implications for educational managers.

Citation: Farrokhinejad Parisa.(2023). Analyzing the opportunities and threats of postmodernism from the point of view of moral and religious values with emphasis on implications for educational managers.Journal of New Approaches in Educational Administration; 13(6):171-181

Corresponding author: Parisa Farrokhinejad

Address: Islamic Azad University, Zahedan Branch

Email: pari136010@gmail.com

Extended Abstract

Introduction:

In cogitatione recenti, metanarrationes reiciuntur et nulla veritas aeterna est ut idealis, quae vitam humanam gubernat. Morem relativum existimant et omnia bona, etiam religiosa, ab homine intellectuali oriri, et verba ut veritas abiicienda esse putant. Finis huius studii est explorare opportunitates ac minas modernismi in prospectu ethicae et valorum religiosorum. In the modern theory, emphasis is placed on the effects of leadership and the study of the legal position of the leader in the bureaucracy, but in Franvin, the focus is on how the leadership process is. In educational organizations of the postmodern era, the focus is on empowering human resources.

Context:

In hoc studio indagator solutiones internas nititur contradictiones et conflictus postmodernismi secundum ethicam et religiosam aestimationem ac notiones et factores, qui occulte afficiunt has contradictiones ut solutiones ligandi religionis et postmodernismi inveniantur., si fieri potest, an. apta solutio adhibeatur ad propositas contradictiones et inconvenientias solvendas

Goal:

The purpose of this research is to analyze the opportunities and threats of postmodernism from the point of view of ethics and religious values, emphasizing the implications for educational managers.

Method:

Modus adhibitus in hac investigatione theoretica est accessus qualitativus analytico-criticus et usus systematis categorici inductiva.

Findings:

Religio et religiosa et moralia et ad certas res redeuntes magni momenti esse possunt, recentem

ab his quaestionibus liberare. Post modernistae, religio et mores inter se omnino separati et independentes sunt... Moralitas est res humana, quae per culturam determinatur. et communicatio inter homines. Sed recte res est, quod religio potest esse fundamentum moralitatis ac fideiussoris, religio potest facile condere disciplinas morales et ferro validas. In educational organizations, teachers play a fundamental role in motivating, facilitating the learning process, and facilitating the creativity of students. Postmodernism, with two tools of breaking the foundation and self-reflective theorizing, and therefore by challenging the modernism curriculum, affects the diversity of the field. Curriculum emphasizes attention to equality and differences, the reproduction of the dominant power in society and the influence of new technologies in the curriculum, which are considered to be responsive to the needs of learners in the current era (postmodernism).

Results:

Officia moralia hominum coram Deo immutabilia sunt et dum ut officia considerantur, prudentes homines recentioris aetatis obicere possunt haec difficilia et gravia opera homini praestare non posse, at sciendum est Deum esse. secundum facultatem humanam. Operas autem assignat eis Leadership to face post-modern organizations and new people requires variable tolerance. Diversity and creativity in subordinates should be cultivated by leaders of organizations. Multiple causes, value and aesthetic thinking and constructive facts should be accepted and the basis for decision making.

واکاوی فرصت ها و تهدیدات پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش‌های دینی با تاکید بر دلالت‌ها برای مدیران آموزشی

پریسا فرخی نژاد

استادیار گروه مدیریت آموزشی واحد زاهدان دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان ایران

چکیده

مقدمه و هدف: در تفکرات پست مدرن فراواقعیت‌ها نفی می‌شوند و هیچ گونه حقیقت ازلی و ابدی وجود ندارد که به مثابه آن یک آرمان بر زندگانی بشر حکم کند. آن‌ها اخلاق را نسبی می‌دانند و معتقدند تمام ارزش‌ها از جمله ارزش‌های دینی محصول انسان روشنفکر است و واژه‌هایی نظیر حقیقت را باید کنار گذاشت. در تئوری نوین (مدرن) تاکید بر تاثیرات رهبری و مطالعه جایگاه قانونی رهبر در بوروکراسی مد نظر است، اما در فرانویین تمرکز بر چگونگی فرایند رهبری است. در سازمان‌های آموزشی عصر پست مدرنیسم، تمرکز بر توانمند سازی نیروی انسانی است. هدف از انجام این پژوهش واکاوی فرصت‌ها و تهدیدات پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش‌های دینی با تاکید بر دلالت‌ها برای مدیران آموزشی است.

روش‌شناسی پژوهش: روش به کار رفته در این پژوهش نظری رویکرد کیفی تحلیلی - انتقادی و استفاده از روش نظام مقوله‌ای استقرایی است.

یافته‌ها: دین و ارزش‌های دینی و اخلاقی و بازگشت به امور ثابت می‌تواند عامل مهم برای رهایی پست مدرن از این مشکلات باشد پست مدرنیست‌ها دین و اخلاق از یکدیگر کاملاً مجزا و مستقل است آن‌ها این اعتقاد را دارند که دین یک امر ماوراء طبیعی و اخلاق یک امر وابسته به انسان است که از طریق فرهنگ و ارتباط بین انسان‌ها معین می‌شود. اما مطلب صحیح این است که دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و آن را ضمانت کند، دین به راحتی می‌تواند انضباط‌های اخلاقی محکم و پولادین را ایجاد کند. در سازمان‌های آموزشی، معلمان در انگیزه دهی، تسهیل جریان یادگیری، و تسهیل خلاقیت دانش‌آموزان نقش اساسی دارند. پست مدرنیسم، با داشتن دو ابزار شالوده شکنی و نظری پردازی خود انعکاسی و بنابراین با به چالش کشاندن چگونگی برنامه درسی مدرنیسم، بر تنوع رشته‌های درسی، توجه به برابری و تفاوتها، بازتولید قدرت مسلط بر جامعه و تأثیر فناوریهای نوین در برنامه درسی تأکید می‌کند که پاسخگوی نیازهای فراگیران در عصر کنونی (پست مدرنیسم) بشمار می‌آیند.

بحث و نتیجه‌گیری: وظایف اخلاقی انسان‌ها در پیشگاه خداوند تغییر ناپذیر هستند و در حالی تکلیف محسوب می‌شوند شاید انسان‌های روشنفکر عصر پست مدرن این ایراد را وارد نمایند که این تکالیف سخت و سنگین و اجرای آن برای انسان غیر ممکن است اما باید اشاره کرد که خداوند بر اساس توانایی انسان‌ها برای آن‌ها تکلیف معین می‌کند. رهبری برای رویارویی با سازمانهای پسانوگرا و افراد جدید نیازمند تحمل متغیر است. تنوع و خلاقیت در زیردستان باید توسط رهبران سازمان‌ها پرورش یابد. علت‌های چندگانه، تفکر ارزشی و زیباشناسانه و واقعیت‌های سازنده بایستی مورد پذیرش و مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۷

شماره صفحات: ۱۸۱-۱۷۱

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jedu.2022.30511.6117

واژه‌های کلیدی:

پست مدرنیسم، فرصت‌ها، تهدیدات، اخلاق، ارزش‌های دینی، مدیران آموزشی.

استناد: فرخی نژاد پریسا (۱۴۰۱). واکاوی فرصت‌ها و تهدیدات پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش‌های دینی با تاکید بر دلالت‌ها برای مدیران آموزشی، دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۳ (۶): ۱۸۱-۱۷۱

* نویسنده مسوول: پریسا فرخی نژاد

نشانی: استادیار گروه مدیریت آموزشی واحد زاهدان دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان ایران

پست الکترونیکی: pari136010@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهم و پیچیده ای که امروز نظام های آموزشی و تربیتی جهان معاصر و به ویژه جوامع دینی و مذهبی با آن رو به رو هستند، مساله تربیت اخلاقی است. ضعف ها و نارسایی های موجود در امر تربیت اخلاقی باعث به هدر رفتن بسیاری از سرمایه های آرمانی در نظام آموزشی می شود و نشان دهنده وجود ضعف در برنامه ریزی کلان آموزشی و تربیتی است و این امر غیر از این که ممکن است ناشی از وجود ضعف ها و نارسایی ها در نظام کلان آموزشی باشد به پیچیده بودن مفهوم اخلاق، تربیت اخلاقی و ارزش های معنوی نیز مربوط است.

اگرچه نظام های تعلیم و تربیت ممکن است تدارک بهینه و مناسبی برای این مفاهیم داشته باشند اما ممکن است برنامه های خاص تربیتی از انسجام، تناسب و هماهنگی درونی مناسب و لازم برخوردار نباشند. سیر تاریخ انسانی آشکارا بر این امر دلالت دارد که دین همواره از بزرگ ترین قدرت های موثر در زندگی انسان است.

در عصر حاضر تربیت دینی یکی از مفاهیمی است که با محدود نبودن به دین و یا جامعه ای خاص دستخوش تفاوت دیدگاهها و اظهارنظرات گوناگون قرار گرفته است و البته این تنوع نظرات بیش از آن که ریشه در مفهوم تربیت دینی خاص داشته باشد از اختلاف نظر در باب دین به طور مطلق، منشا و کارکرد آن و یا بعبارت بهتر تلقی دینی ناشی می شود. در بحث تربیت دینی و چگونگی آن تعاریف و دیدگاه های متفاوتی وجود دارد که می توان بطور کلی آن را در دو دسته دیدگاه های الهیاتی و غیر الهیاتی درباره دین تقسیم کرد (Beheshti, 2009)

بنابراین هرگونه روشنگری در باب اختلاف دیدگاه ها که ریشه در تفاوت های موجود در تفکر دینی داشته باشد می تواند ما را در تشخیص رویکرد و رفع ابهام و عدم اختلاط بین آن ها یاری سازد.

مکتب پست مدرنیسم از جمله جنبش های فلسفی مطرح است که در چند دهه اخیر نقش قابل توجهی در تغییر و تحولات فکری و ساختاری دنیا داشته است. این جنبش ذهن فیلسوفان و اندیشه گران بسیاری را در قلمرو وسیعی از علوم اجتماعی، فلسفه، هنر، ادبیات، سیاست و تعلیم و تربیت به خود مشغول کرده است. با پیدایش این مکتب، بناهایی که در طول زندگی نسل ها بر پا بوده اند، اکنون ویران شده اند. تلقی انسان از خود و دیگران و برداشت او از مفهوم طبقه، نژاد و ملت تغییر کرده است. هرچند ماهیت و عمق این تحولات هنوز روشن نیست، ولی ادراکی در شرف تکوین است حاکی از این که نوع بشر احتمالاً به مرحله متفاوتی از تاریخ خود وارد شده است (Jakson, 2007).

مطالعات ادیان، یکی از گستره های رایج پست مدرنیسم است. در مورد نگرش پست مدرنیسم و تأثیرات آن بر اندیشه دینی، سه نظریه وجود دارد (Gelner, 2003).

۱- در بعدی افراطی، نظریه پست مدرنیسم به منزله مرگ خدایان، نابودی دین و ارزش ها تلقی می شود

۲- نظریه ای که این مکتب را بازگشت به ایمان و الزامات دینی می داند

۳- در نظریه سوم، چنین فلسفه ای بیانگر امکان بازسازی ایده های مذهبی فراموش شده دانسته می شود در بعد ارزش ها معتقد هستند هر کس باید بتواند آنچه می خواهد بشود و یگانه قانون اساسی و عمده این است که باید ارزش های مختلف از افراد گوناگون جمع آوری شود این ارزش ها می تواند تلفیقی از ارزش های قدیمی و جدید حتی متناقض باشد

تربیت اخلاقی برای هر جامعه ای امری اساسی است و با تربیت خوب است که می توان ارزش های واقعی را ثبات و استحکام بخشید و ضد ارزش ها را که در بسیاری از جوامع سبب بحران های معنوی شده است کمرنگ نمود و از این جهت پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهم ترین اهداف والای رسالت پیامبران بوده است و عده ای از فلاسفه و دانشمندان نیز هر یک با نگرش و اهداف خاص خود از تربیت و اخلاق سخن گفته اند و اصول و ارزشهایی را برای آن ارائه کرده اند و این امر بیانگر سرنوشت ساز بودن این مساله برای انسان در هر شرایطی و هر جامعه ای است و در هر جامعه ای با دور شدن انسان ها از ارزشهای اخلاقی فساد و تباه جامعه را فرا گرفته است. اپل (۱۹۹۶) معتقد است که تعلیم و تربیت امری اخلاقی است و بی تمسک به آن فهم پذیر نیست

لذا تعلیم و تربیت باید در خصوص مبادی اخلاق و اصول عدالت و مسوولیت نسبت به غیر دغدغه داشته باشد.

تربیت دینی و اخلاقی از منظر کثرت گرایی پست مدرن، از هرگونه مبانی متافیزیکی، مبانی ارزش شناختی بینشی مقدم و از لحاظ نظری خالی است. به عبارت دیگر از منظر پست مدرن ها، ملاک های از پیش تعیین شده برای داوری در مورد اینکه چه چیزی خوب و چه چیزی بد است، و در باب بایدها و نبایدها وجود ندارد. ملاک داوری میان خوب و بد بودن امور و رفتارها، درواقع علایق و سلیق متنوع افراد، جوامع و انسان ها و همچنین اوضاع زندگی آن هاست. هم چنین موضوع ارزش های اخلاقی و بایدها و نبایدها از منظر کثرت گرایی پست مدرن این است که ارزش های اخلاقی امری نسبی، طبیعی، فردی، سلیقه ای و حتی اتفاقی و موقتی است و اخلاق، امری خاص و محصول

گفتمان‌های ماست؛ یعنی ما هرچه بتوانیم گفتمان بین انسان‌ها را گسترده‌تر کنیم، می‌توانیم به مضامین و معانی جدیدتری از بایدها و نبایدها دست یابیم Gelner2003

در کل اکثر پست مدرن‌ها بر این باورند که اخلاق و ارزش‌های دینی امری محلی و خاص است و هیچ‌هنگام جهان شمولی ندارد و حقایق در درون گفتمان شکل می‌گیرد. اگر این قواعد عام باشند نظام‌های تربیتی باید اعمال و برنامه‌ها و محتوای مشترکی را عرضه کنند که با نظرات پست مدرن سازگار نیست (Tajik.2000).

به طور کلی می‌توان گفت که دیدگاه پست مدرنیسم در خصوص اخلاق و ارزش‌ها عبارت است از:

۱- رد ارزشهای اخلاقی و معنوی عام و جهان شمول

۲- نسبییت ارزشها

به اعتقاد بسیاری از متفکران پست مدرن از جمله لیوتار از خصوصیات فلسفه پست مدرن نفی فرا روایت‌ها است و منظور از فرا روایت اعتقاد به اصول و مبانی جهانشمول و عام است که برای انسان‌ها در تمام دوران جاودانه و بدون تغییر باشد مانند مفهوم دین و ارزش‌های اخلاقی (Tawheed Pham.2009).

مفهوم اخلاق و دین برای هر جامعه‌ای امری اساسی است و با تکیه بر این مفاهیم است که می‌توان ارزشهای واقعی را استحکام بخشید و ضد ارزشها را که در بسیاری از جوامع باعث کم رنگ شدن دین و اخلاق در بسیاری جوامع شده اند را تقلیل داد.

القای مفاهیم دینی و فضایل اخلاقی یکی از مهمترین اهداف والای و رسالت پیامبران بوده است.

از سوی دیگر جریان پست مدرنیسم امروزه در تمام جنبه‌های زندگی بشر از جمله فلسفه، ادبیات، هنر و ... رسوخ کرده و نمی‌توان جدای از این بشرت فکری در دنیای حاضر زندگی نمود و از آن تأثیر نپذیرفت

پست مدرنیسم معتقد است که تمام ارزش‌ها و اخلاقیات پرسش‌های هنجاری احساسات و عواطف محصول انسان روشنفکر است جهت گیری ارزش پست مدرنیسم با جهت گیری‌های ارزشی مکاتب دیگر متفاوت است به این معنا که هیچ ارزشی در سطح کلی بر دیگری برتری ندارد و به ندرت به تعیین الگو می‌پردازد و در خصوص اخلاق و ارزش‌ها در جهت گیری کلی را مطرح می‌کند .

- رد ارزش‌های اخلاقی و معنوی عام و جهان شمول

- نسبییت ارزشها

دیدگاه‌های پست مدرنیسم هر چند که در قلمروهای مختلف مانند هنر، فلسفه و سیاست و ادبیات مسایل و مباحث تازه‌ای برانگیخته است در عرصه تعلیم و تربیت، مفاهیمی اخلاقی و مباحث ارزشی دیدگاه‌های تازه‌ای را مطرح کرده است. گرچه این گروه کمتر در این موارد به صورت صریح و روشن بحث و گفتگو نموده اند اما در عین حال می‌توان از ویژگی‌ها و مجموعه آثار به دست آمده از آن‌ها دلالت‌های ضمنی تربیتی، اخلاقی و ارزشی را استنتاج کرد مدارس امروزی برخلاف مدارس گذشته باید به دنبال نقد، نوآوری و خلاقیت باشند. کاربرد اندیشه‌های پست مدرنیسم می‌تواند در رشد علمی و اجتماعی و اخلاقی فراگیران به خصوص پرورش نقد و انتقاد و خلاقیت آن‌ها کمک کند.

نقش دین و اخلاق یکی از مهم‌ترین مسایلی است که در جامعه کنونی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. اگر دین و اخلاق در یک جامعه به طور جدی فرسوده یا ویران گردد. جنبش‌های دینی و شبهه دینی جدید سر بر می‌آورد در دهه‌های اخیر و کاربرد عنان گسیخته تکنولوژی به مقیاس عظیم در تمام زمینه‌ها کل حیات را به مخاطره انداخته است و می‌توان به شدت نگران بقای مفاهیم دینی و ارزش‌ها و اخلاقیات شد. به خصوص که به اعتقاد بسیاری از روشنفکران پست مدرن از جمله لیوتار از خصوصیات فلسفه پست مدرن نفی فرا روایت‌ها است و منظور از فرا روایت‌ها اعتقاد به اصول و مبانی جهان شمول و عام است که برای تمام انسان‌ها جاودانه و بدون تغییر است مانند ارزش، دین، اخلاق.

اگر به این مباحث به دقت پرداخته نشود در آینده شاهد نفی تمام مباحث دینی و اخلاقی خواهیم بود و شاید پرداختن به این موضوعات جزء مسایل سنتی و مطرود شمرده شود بنابراین بحث از این مفاهیم و احیای آن‌ها در جامعه کنونی از ضرورت‌ها می‌باشد .

به خصوص در کشور ما در خصوص پست مدرنیسم و جنبه‌های تربیتی آن کتاب‌ها و مقالات اندک است و بیشتر کارهای انجام گرفته ترجمه آثار مؤلفان غربی است به خصوص به علت تازه بودن موضوع پژوهش‌ها و نوشته‌ها در این حوزه و پرداختن به مباحث ارزشی و دینی ناچیز است البته دلایلی هم برای این شرایط وجود دارد.

اول: اگرچه جریان پست مدرنیسم بیشتر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته و توسعه یافته تسری دارد لیکن در شکل‌های گوناگون در سراسر جهان پراکنده شده است و عمومیت پیدا کرده. بنابراین برای همه ما دست کم فکر کردن به این مسایل از ضروریات است .

دوم: با ظهور پست مدرنیسم و به چالش کشیدن ارزش ها و اخلاقیات در افراد و جوامع و آسیب پذیر بودن اذهان نوجوانان و جوانان در مقابل هجوم تکنولوژی ارتباطات و رسانه های اغواگر اهمیت پژوهش ها و تحقیقات مرتبط با اخلاق، تربیت اخلاقی و انتقال ارزش های دینی و فرهنگی در چهارچوب نظام تعلیم و تربیت رسمی روشن و مشخص است.

سوم: توجه به گسترش اطلاعات و مطرح شدن بحث دهکده جهانی، به نظر می رسد پرداختن به این موضوع و چالش های پیوسته به آن، بخش مهم از نیازهای فکری، اجتماعی و تربیتی کنونی جامعه ماست که به منزله عضوی از جامعه جهانی با ملل دیگر در تعامل فکری و فرهنگی مستقیم.

بنابراین توجه و شناخت تناقضات ارزشی و اخلاقی پست مدرن با توجه به فراگیر بودن آن در دوران و تلاش برای تبدیل آن از یک تهدید به فرصت از اهمیت زیادی برخوردار است.

با توجه به موارد فوق اولین دغدغه امروز برای اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت راهبردها و راهکارهایی است که در حوزه تربیت اخلاقی برجسته باشد لازمه این کار شناسایی دقیق مبانی اخلاق و ارزش های دینی بر اساس آموزه های دینی است. در این پژوهش پژوهشگر به دنبال آن است که با شناسایی تضادها و تعارضات درونی پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش های دینی و شناسایی ایده ها و عواملی که به صورت پنهان در این تضادها تأثیر گذارند به راهکارهایی دست یابد که برای ارتباط دادن دین و پست مدرنیسم بپردازد و در صورت امکان از این طریق برای رفع تضادها و تناقض های مطرح شده راه حل مناسب اتخاذ گردد.

سوالات پژوهش

__ بسترها و شرایط ایجاد فلسفه پست مدرنیسم در سده بیست کدامند؟

__ مفهوم اخلاق و ارزش های دینی در فلسفه پست مدرنیسم چیست؟

__ تضادها و تناقضات پست مدرنیسم در بستر اخلاق و ارزش های دینی کدامند؟

__ علت ها و عوامل پنهان تأثیر گذار بر این تضادها و تناقضات در فلسفه پست مدرنیسم چیست؟

__ آیا می توان مبتنی بر اخلاق و ارزشهای دینی به راهکارهایی جهت رفع این تضادها در فلسفه پست مدرنیسم دست یافت؟

__ دلالت ها و کاربردها برای حوزه مدیریت آموزشی و مدیران آموزشی از نظر پست مدرنیسم چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی نظری است که با رویکرد کیفی با بهره گیری از سنت پژوهشی تحلیلی - انتقادی به بررسی موضوع پژوهش پرداخته شده است. هم چنین به این علت که اطلاعات موجود در این زمینه کیفی هستند، از جمله پژوهش های کیفی به حساب می آید. روش تحلیلی - انتقادی یکی از روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت است. از منظر این روش هر وضعی از درون با نیروهای متناقض و متضادی رو به رو است که به نفی آن منجر می شود که با شناسایی و رفع این تناقض ها می توان به حالت مطلوب دست یافت پژوهش های دیالکتیکی - انتقادی دارای دو رویکرد ساختارگرا (تحلیل طبقاتی اقتصادی بر تعلیم و تربیت) و فرهنگ گرا (نقش عوامل انسانی و فرهنگی) در تعلیم و تربیت است در این پژوهش مراحل اصلی عبارتند از:

۱- کشف تضادها و تناقض های درون فلسفه پست مدرنیسم در بستر اخلاق و ارزش های دینی

۲- مشخص کردن علت ها و عوامل پنهان: در حقیقت نگرستن به موقعیت به صورت لایه ای از ویژگی های اصلی این پژوهش است به عبارت دیگر ساز و کارهای پنهان در زیر لایه های اجتماعی و فرهنگی شناخته شود. در این مطالعه پس از مشخص کردن طرفین تضاد و تناقض به شناسایی علت ها و عوامل پنهان و تأثیرگذار پرداخته می شود.

۳- نقد ایدئولوژی: در این مرحله در حالی که علت های پنهان در لایه های زیرین قرار دارند ایدئولوژی به ظاهر و عرضه آشکار و آگاهی مربوط است. از این رو پژوهشگر انتقادی نادرست بودن آگاهی کاذب را آشکار می کند.

۴- رهایی بخشی: پژوهش انتقادی باید به رفع تعارض ها و تناقض های مشخص شده بپردازد یعنی آزاد کردن سوژه در حقیقت در این پژوهش پژوهشگر به دنبال آن است که با شناسایی تضادها و تعارضات درونی پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش های دینی و شناسایی ایده ها و عواملی که به صورت پنهان بر این تضادها تأثیر گذارند به راهکارهایی دست یابد که بارها شدن از موقعیتها پست مدرنیسم نه یک تهدید بلکه یک فرصت برای توسعه اخلاق و ارزش های دینی مطرح گردد.

مبتنی بر سنت پژوهشی پژوهشگر اقدامات زیر را انجام داده است.

۱- تدوین مسأله و سوالات پژوهش

۲- جمع آوری منابع و اطلاعات و فیش برداری از اطلاعات مورد نیاز

۳- تحلیل اطلاعات و جزء جزء کردن آن از طریق کد گذاری متون برای ارتباط مفهومی

۴- دسته بندی کردن کدهای مربوط به منظور ایجاد ارتباط مفهومی بین مطالب

۵- استخراج مفاهیم، شاخصها و مولفه‌های اساسی

(Bagheri, 2019)

حوزه پژوهش

با عنایت به موضوع، هدف و روش انجام این پژوهش، حوزه آن شامل مطالبی که مرتبط با پست مدرنیسم در زمینه مساله تربیت اخلاقی و دینی، بررسی ضعفها و نقاط قوت آن و دلالت هایی برای مدیران آموزشی بوده است.

روش نمونه گیری

این روش با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند انجام گرفته است. نمونه گیری هدفمند برای توصیف نوعی از نمونه گیری بکار می رود که در آن مواردی که از لحاظ هدف های تحقیق کیفی و در جهت پاسخ گویی به سوالات پژوهش اطلاعات غنی در بر دارند، انتخاب شوند. شیوه های ایده آل در این نمونه گیری آن است که تا حد اشباع ذهنی دست به انتخاب زده شود. در رویکرد کمی باید در نظر داشت که توسعه جنبه های تفسیری طبقه-ها تا حد امکان به داده‌ها نزدیک باشند. بنابراین در تحلیل های محتوای کمی طبقه-بندی های استقرایی نمایش داده شده است. ایده اصلی این فرایند عبارت از فرموله کردن معیار و ملاک تعریف می باشد که از بین زمینه های نظری و سوالات تحقیق ناشی می شود. بر اساس این معیار بر روی داده‌ها کار شده و طبقه بندی ها به صورت تجربی مرحله به مرحله استنتاج می شود. به وسیله بازخورد مطالب، در این طبقات تجدید نظر شده و سرانجام به طبقه-بندی-های اصلی کاهش پیدا کرده و برای قابلیت اطمینان تست می شوند و در نهایت اگر سوال تحقیق جنبه های کمی را لحاظ کرده باشد (مثل تکرارپذیری طبقات کدگذاری شده) می توان تحلیل را انجام داد. بدین منظور پژوهشگر تلاش نمود با توجه به فرصت زمانی و امکانات در اختیار، منابع چاپی و دیجیتالی در دسترس را که از پایگاه های الکترونیکی با ماهیت موضوع و سوال های ویژه پژوهش مرتبط بوده اند را بررسی و مورد تحلیل قرار داد.

روش و ابزار جمع آوری اطلاعات

روش جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای است، که از منابع موجود در کتابخانه های چاپی و الکترونیکی مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات استفاده از فیش برداری است. بدین منظور اطلاعات مورد نیاز برای نگارش این پژوهش در حین مطالعه کتاب ها و مقالات بر روی برگه های فیش بسته به اهمیت آن یادداشت برداری شد. این عمل تا حد اشباع ذهنی پژوهشگر ادامه یافت.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل با به کار گیری نظام مقوله ای استقرایی انجام شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با بهره گیری نظام مقوله بندی استقرایی انجام گرفت اساسا اجرای تحلیل محتوای کیفی در عمل شامل تکنیک هایی است خلاصه کردن تحلیل محتوای داده ها. به این منظور که گزاره هایی که ارتباط چندانی با پژوهش ندارند یا انهایی که دارای کمانی مشابه هستند کنار گذاشته می شود (تلخیص اول) و گزاره های مشابه دسته بندی می شود (تلخیص دوم) در این جا از طریق کنار گذاشتن گزاره هایی که در عبارت های تعمیم داده شده آمده اند کنار گذاشته می شود گزاره انتزاعی تر تلخیص می شوند.

در چارچوب رویکرد کیفی بسط جنبه های تفسیر مقولات امکان پاسخ به پرسش های مورد نظر وجود دارد. و این پرسش ها در چارچوب مواد مورد بررسی فرمول بندی و پاسخ قرار داده شده است. ایده اصلی این روش فرمول بندی معیار های تعریف شده است که از پیشینه نظری و پرسش پژوهش به دست می آید. در این زمینه جنبه های متنی موارد مورد بررسی محاسبه می شود علاوه بر این معیارها مواد درسی مورد بررسی مورد توجه قرار گرفته است و مقولات مرحله به مرحله و به طور آزمایشی استخراج شدند در این حلقه بازگشتی مقولات بارها و بارها اصلاح و از تعداد آن کاسته می شود و تنها مقولات اصلی باقی می ماند که بتوان پایایی آن را بررسی کرد. Flick, 2000

باور پذیری و اطمینان پذیری پژوهش

در تحقیقات کیفی باور پذیری به میزانی که یافته های پژوهش بیانگر واقعیت باشد اطلاق می شود در این پژوهش برای تعیین باور پذیری یافته ها در سطح تحلیل محتوا بعد از تجزیه و تحلیل میانی نظری به شیوه کد گذاری موضوعی نتایج به دست آمده در اختیار متخصصان حوزه تعلیم و تربیت قرار داده شد پس از اخذ نظرات آنها اقدامات اصلاحی انجام و تجدید نظر به عمل آمد. در خصوص اطمینان پذیری

محققان این حوزه بیشتر به مباحثی چون قابل اعتماد بودن منابع جمع آوری شده و صحت آن ها و دقت در به کار گیری روش اجرای پژوهش و با توجه به خاص بودن هر یک از روش های پژوهش کیفی فرمول بندی مجدد می شود.

یافته ها

پژوهش حاضر به بررسی تضادها و تناقض های پست مدرنیسم از منظر اخلاق و ارزش های دینی و دلالت ها برای مدیران آموزشی پرداخته است. بسترها و شرایط ایجاد پست مدرنیسم در قرن بیستم و تأثیرات گسترده آن در معماری و هنر و ادبیات و فرهنگ این دوره به بعد از مدرنیته اطلاق گردید و پیشوند پ در پ مدرنیسم الزاماً به تأخیر زمانی اشاره نمی کند و در اصل واکنشی به نوگرایی و تحت تأثیر هوشیاری عمومی پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد بعد دیگر تغییرات سریع جوامع بعد از انقلاب صنعتی و رشد تکنولوژی است. توجه بیشتری از اندازه به برهان های استعلایی، پوزیتیویسم و اثبات گرایی و توجه کامل فقط به علم تجربی از جمله نقاط مورد بحث پست مدرن است. دلالت های ضمنی آن اشاره به طبقاتی شدن دانش دارد از طریق کامپیوتریزه شدن جامعه و استیلای رسانه های جمعی، دانش سیال سبک، فلسفه پست مدرنیسم اساساً به معارضة با شالوده گرایی مورد اعتقاد مشترک فلاسفه قرون ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ میلادی می پردازد و به آن ها می تازد. این واژه در بهترین وجه به مانند مفهوم خوشه پیچیده ای تلقی می شود که شامل عناصر زیر است دیدگاه ضد معرفت شناسی، موضع ضد ماهیت گرایی، ضدیت باواقع گرایی ضدیت با شالوده گرایی، مخالفت با برهان های استعلایی، نفی تصویر موجود از شناخت به مانند بازنمایی دقیق، نفی حقیقت متناظر با واقعیت، نفی توصیفات کلی و نفی واژگان نهایی و اصول و قواعد و تمایز مقولات که بدون هیچ قید و شرطی در هر زمان و مکان مورد قبول است و در نهایت سوء ظن به فرا روایت ها در نهایت پست مدرنیسم با مضامین و اندیشه های جدید در قرن ۲۰ پا به عرصه وجود می گذارد. انتقاد از بی طرفی و استقلال عقل، تأکید بر ماهیت و سرشت تاریخی و قوم مدارانه، دوگانگی در مورد روشنگری و ایدئولوژی آن از هم گسیختگی سوژه مستقل با تأکید بر جایگاه صرفاً تاریخی تقسیم کار در فرایند تحصیل و تولید شناخت برای سوال دوم و آشنایی با مفاهیم اخلاقی و ارزش های دینی در فلسفه پست مدرن ابتدا تعاریف اخلاقی و ارزش مطرح گردید. گزاره اخلاقی گزاره ای است که به هر دو بعد حرفات و ملکات و رفتار و اعمال در تعریف دانش اخلاق توجه کرده است. گزاره اخلاق گزاره ای است که موضوع آن صفات نفسانی انسانی و یا افعال اختیاری اوست و معمول این گزاره یکی از مفاهیم خوب، بد، درست و نادرست، باید و نبایدهای اخلاقی مفهوم وظیفه و تکلیف و مسوولیت، ردیلت و فضیلت است در نظر مدرنیسم به خصوص کانت عقل واحد است که شامل عقل نظری و عقل عملی است به عقیده او هر انسانی به دلیل برخورداری از قوه عقل، احساس وظیفه اخلاقی می کند و عمل اخلاقی انجام می دهد و تربیت اخلاقی فرد را از ارزشی نسبت به تمام نوع بشر برخوردار می سازد تربیت اخلاقی کانت خود آیین و وظیفه گرا است، انسان گراست و با دادن مرتبه شامخ به انسان با سلاح عقلانیت می تواند از عهده مشکلات خود برآید اما پست مدرن ها با وارد کردن انتقادات تند نسبت به او هر گونه نظریه پردازی اخلاقی را نوعی سلطه و استیلا نسبت به طبقات فرودست و نوعی جامعه به خصوص زنان و اقلیت های نژادی و مذهبی می دانند. به طور خلاصه دیدگاه آن ها به تکررگرایی به معنای پذیرفتن تنوع و تکرر است و این که هیچ بنیاد و غایتی در زندگی وجود ندارد جوامع و گروه ها و اقوام گوناگون ارزش های ویژه خود را برای سازگاری با نیازها و مقتضیات زندگی خود می سازند. دیدگاه ضد سلطه گرایانه که از نظر آن ها حالت سلطه گرایی که عمدتاً از بالا به پایین است حالت معکوس پیدا می کند، بحث همبستگی اجتماعی به این معنا که بارها علیه قدرت سرکوب گر سخن گفته شده و استثمار و تجاوز و آسیب رساندن گروه ها و طبقاتی از جامعه بر علیه گروه ها و افراد ضعیف تر مدمت شده است و در مقابل کوشش آن ها متوجه پیشرفت اجتماعی و کمک همراه با احترام متقابل در روابط جمعی است منظور از اخلاق در نظریه پست مدرن ها در چند مورد خلاصه می شود. اتخاذ رویکرد جامع و کل گرایانه در تربیت اخلاقی، پذیرش احترام به تفاوت های گوناگون افراد، شناسایی بنیان های نوین برای زندگی اخلاقی و در پیش گرفتن رویکرد ضد سلطه گرایی در آموزش و تربیت اخلاقی و توجه اساسی به عنصر دگرخواهی و توجه به دیدگاه دیگران است. دیدگاه پست مدرن در این ادعا که تعلیم ارزش های دینی به عنوان یک هویت خارجی نظام مند و نهادینه است به مطالعه آداب، رسوم و اعمال و عقاید متنوع محلی و مذهبی شخصی تغییر پیدا کرده است و تجارب دینی به اندازه تحلیل تجربی مورد نظر است. آن ها ارزش دینی را به عنوان آموزش سنت ها تنزل می دهند و نهاد مقتدر دینی وجود نخواهد داشت و تجارب دینی اخلاق و رسوم و تنها سنت ها به وجود خواهد آمد و رویکردهای تربیت ارزشی و دینی متعدد خواهد شد در کل سه دسته از مفاهیم مورد توجه این طرز تفکر است

۱. انکار اصول و مفاهیمی متعالی مربوط به سرشت انسانی ۲- انکار هرگونه یکپارچگی، یکرنگی، تمامیت و جزمیت اصولی ۳- انکار واقعیتی که بتوان آن را حقیقت ثابت نامید. این دیدگاه باعث بروز تضادها و تناقض های شدید در بطن این طرز تفکر گردید طوری که در تعلیم و تربیت ارزشی و اخلاقی نمی توان اصول روشن و دقیق برای تربیت انسان در نظر گرفت و فرایند آموزش را بر اساس آن بنیان نهاد نظام تربیتی آن نمی تاند الگویی از انسان ایده آل ارایه دهد عدم رعایت نکات اخلاقی و ارزشی به خصوص عناصر وسایل ارتباط جمعی و جمله ی اندازه رسانه های غربی به ایمان و مذهب مردم و تمایل صرف به مصرف گرایی ارزش ها را نابود می کند. فرا روایت ها عمدتاً به

منزله اموری نامعتبر هستند. نفی اصول اخلاقی و دینی رد هرگونه کمال مطلق و فرا روایت های دینی باعث از بین رفتن اصول یقینی دین خواهد شد. نمی توان طرح کلان و کلی را مطرح کرد پست مدرن هر چند درصدد آزادی از قید و بندهای فرا روایت مدرنیسم بود اما جایگزین مناسب را مطرح نمی کند انسان در اقیانوس بی کران نسبیت و کثرت گرایی رها می شود بشر از معنویت دور می شود درحالی که دین و اخلاق و تربیت ارتباط نزدیکی دارند و هدف نهایی آن یکسان است دین نقطه محوری است که از طریق آن تربیت می تاند موجب پرورش فضیلت های مختلف و سیر کمال آدمی شود. Saltery.1999

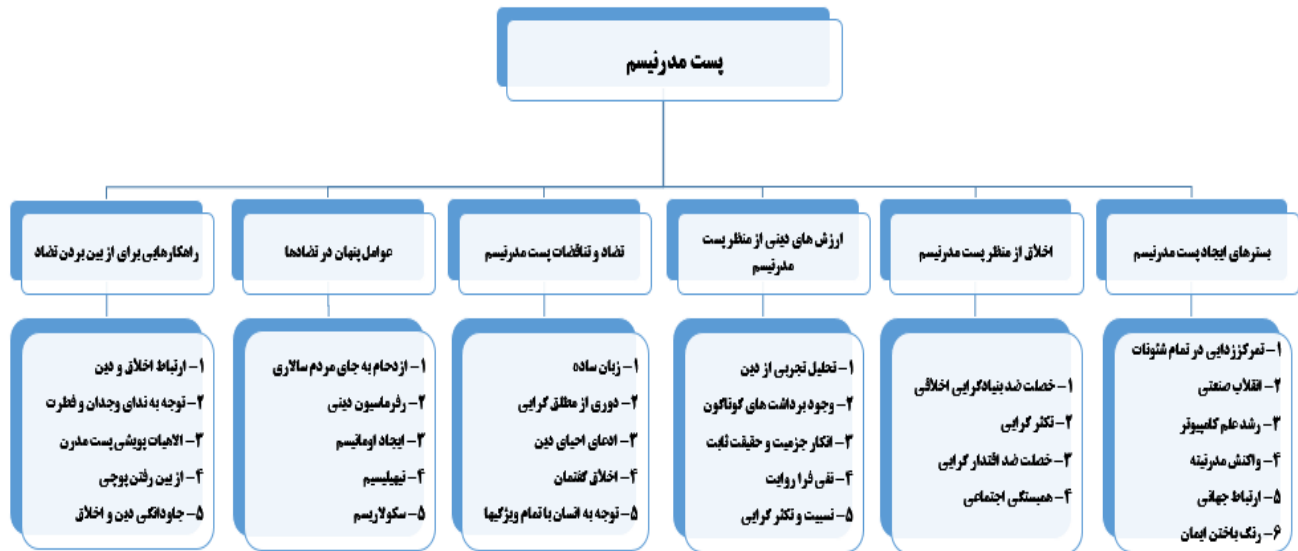
علی رغم تمام ادعاها پست مدرنیسم نتوانست برای رشد اخلاق و ارزش های دینی گام موثر بردارد و علت های پنهان و بررسی لایه ای آن باید گفت عدم تحقق وعده هایی مانند عدالت اجتماعی، صلح، مردم سالاری و زیر پای گذاشتن مبانی و اصول حیاتی و ساختارزدایی در تمام زمینه ها بدون پذیرش معیار جزمی و نقد تمام موارد و اصول نتوانست پاسخ مناسبی برای ایرادات دوران قبل از خود باشد، عدم اعتقاد به کلیت و فرا روایت ها با اندیشه هایی مانند به پایان رسیدن عصر ساختن نظریه های مکان در باب سیاست و جامعه، عدم دسترسی به یک نظریه مطلق گرایی اخلاقی و ارزشی، شکاکیت اخلاقی و نهایتاً به یک جهان اعتباری ختم می شود، عدم تعهد به ارزش ها و عدم اعتماد به داستان های کلی و بزرگ کلی و مطلق. اما از اصول پنهانی تأثیر گذاشتن بر این جریان ادعای دموکراسی و مردم سالاری است که به شیوه ای مضحک معتقد هستند که هم مردم با هم سخن بگویند و در این ازدحام چیزی دریافت شود و با ادعای این که دموکراسی در دوران مدرنیته تحقق پیدا نکرده است و در توجیه دموکراسی مردم سالاری واقعی مردم سالاری رادیکال را مطرح می کنند. عامل مهم بعدی بحران زدایی در تعلیم و تربیت است به عنوان ادعایی که پست مدرنیسم ها مطرح می کنند اما این نظرات و دیدگاه ها منجر به از بین رفتن و ساختار زدایی مدارس، از بین رفتن ارتباط صحیح بین معلم و دانش آموز و تربیت انتقادی است که در نهایت باعث از بین رفتن تمام ادعاهای مطرح شده بود. توجه به عدم برتری زبان به زبان دیگر در مورد محتوا این نتیجه حاصل شد که هیچ محتوایی صلاحیت علمی و تخصصی فراگیران را بالا نمی برد. این مفاهیم باعث بحران جدید گردید. رها ساختن انسان در وادی شک و نسبیت انسان را سرگردان و تنها می کند و باعث نزول ارزش های دینی و اخلاقی می شود. با تمام این بحران ها نوعی حالت پوچ گرایی در جوامع ایجاد گردید سرخوردگی و واژگونی از نظام موجود و ناتوانی را گسترده می کند در نیهیلیسم فقدان هدف اجتماعی، بی معیاری شاخص در امور مختلف در دسر ساز است. منشأ این پوچ انگاری را باید در کمون های اولیه پیدا کرد که نوعی ترک دنیا، خود فراموشی، بی اعتباری و ی اعتقادی نسبت به هدف دار بودن عالم و اظهار عجز درباره توان ذهنی و فکری آدمی در کار بود. شکاکیت افراطی در مورد همه چیز و نفرت به حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی و بیهودگی آن ها است. این سرخوردگی ها از عوامل و لایه های زیرین این تناقضات است. سکولاریسم عامل بزرگ دیگری است تفکری که حضور دین در ابعاد مختلف زندگی بشر را نفی می کند و بیان این نکته که دین فقط با مسایل خصوصی افراد سر و کار دارد نه مسایل اجتماعی آن ها با ویژگی هایی از جمله توجه به علم و عقلانیت، جدایی دین از نهادهای حکومتی، حاکمیت مردم به جای حاکمیت الهی. تمام این موارد همگی بعد از بررسی دقیق لایه های پنهان از عوامل مهم هستند که به شیوه ای پنهان باعث ایجاد بحران ها و عدم تحقق ادعاهای پست مدرنیسم مطرح کرد

دین و ارزش های دینی و اخلاقی و بازگشت به امور ثابت می تواند عامل مهم برای رهایی پست مدرن از این مشکلات باشد پست مدرنیست ها دین و اخلاق از یکدیگر کاملاً مجزا و مستقل است آن ها این اعتقاد را دارند که دین یک امر ماوراء طبیعی و اخلاق یک امر وابسته به انسان است که از طریق فرهنگ و ارتباط بین انسان ها معین می شود. اما مطلب صحیح این است که دین می تواند بنیاد اخلاق باشد و آن را ضمانت کند، دین به راحتی می تواند انضباط های اخلاقی محکم و پولادین را ایجاد کند، به عنوان موید می توان گفت حتی بعضی از متفکران که در بحث اخلاق به تأمل پرداخته است به این مساله اذعان دارند که دین بهترین پشتوانه برای اخلاق است وجود اخلاق و نیاز بشر به دین دلیلی است که انسان ها هرگز بدون اخلاق نمی توانند زندگی کنند جامعه بشری نیازمند دین و اخلاق است این نوع اخلاق اخلاقی همه جانبه و بر اساس مبنا و پایه اساسی و محکم باشد. این نوع اخلاق نیز تنها با وجود دین و معنویت دینی امکان پذیر است که بهترین تغذیه کننده چنین اخلاقی است و تنها راه آن است پس بشر به دین محتاج و نیازمند است حتی باید گفت این نیاز دائمی و همیشگی است و دائمی می باشد، اوصاف اصول اخلاق مانند جاودانگی و یا نسبیت به دین هم منتقل می شوند و باعث جاودانگی اصول اخلاقی و دینی می شوند اگر کسی اخلاق را جاودان نداند و به این نتیجه برسد که اخلاق اساساً نسبی و موقت است و این که اخلاق ممکن است در هر زمان اعتبار خود را از دست بدهد بخشی از مبانی دینی منسوخ می گردد.

سازمان و مدیریت و نوگرا "مدرن" در دو بخش خدمات و صنعت، هردو از یک تفکر و اندیشه سرچشمه می گیرند براساس دیدگاه "فایول" عناصر مدیریت عبارتند از، طرح ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل در بحث پست مدرن بیان می شود تئوریهای مدرن مدیریت و رهبری نیز بر شیوه عقلایی تجزیه و تحلیل، عدم مشارکت زیردستان در تصمیم گیری، رعایت استقلال در تحلیلگری، جستجوی علت یا مدل واحد در بررسی پدیده ها، تفکر تحلیلی و مطالعه پدیده های قابل مشاهده استوارند در حالی که تئوری های پست -

مدرن بر شیوه های شهودی و غیر عقلی، مشارکت زبردستان در تصمیم گیری، تفکر ترکیبی و مطالعه پدیده های نمادین در کنار پدیده های قابل مشاهده تاکید دارند.

در سازمان های آموزشی، در تعلیم و تربیت پست مدرن، معلم اندیشمندی رهایی بخش و روشنفکری تحول آفرین به شمار می آید که مشخصه هایش شجاعت اخلاقی و نقادی است. او فراهم آورنده شرایطی است که خود و دانش آموزان، تجربیاتش را بازنمایشی کنند، روابط ظالمانه را بشناسند، بیان کنند و راههایی نیز برای رفع آن ارائه دهند. معلمان پیشکسوتان و راهنمایانی هستند که نقش هماهنگ کننده تجارب یادگیری را بر عهده دارند. نقش آن ها بیشتر آموزش «چگونه یاد گرفتن» به دانش آموزان است. Ward, 2011



نمودار - پست مدرنیسم

نتیجه گیری

در نتیجه گیری نهایی از پژوهش انجام گرفته می توان به این دیدگاه کلی دست پیدا کرد که پست مدرن علی رغم تمام ایرادات که به دوران مدرنیسم وارد ساخت و ادعاهایی که برای بهتر کردن اوضاع بشری داشت حداقل در زمینه تربیت، اخلاق و ارزش های دینی نتوانست راهگشا و کارساز شود و علت اصلی این واقعه بی توجهی به دین و کنار گذاشتن معنویت از زندگی انسان هاست در حالی که از بین رفتن بحران های کنونی از جمله اعتیاد، ایدز، مشکلات روحی و افسردگی، اختلالات روانی و بسیاری از معضلات از همین نقطه آغاز می شود و شاید بهترین راه برای از بین رفتن معضلات و مشکلات مطروحه نگاه دوباره به معنویت و دین است. حس پرستش و تکیه دادن به منبعی بی انتها و کمال مطلق از مهم ترین ویژگی های انسانی و وجه افتراق بین انسان و حیوان است حالتی که کاملاً فطری و ذاتی است و کلید گمشده مشکلات عصر کنونی و راه برون رفت از معضلات ناشی نسیت گرایی ارزشی و اخلاقی است. اما پست مدرن هرگز موافق به کار بردن ادیان نهادینه برای بهبود نظرات خود نیست و دین مدرن توسط این حوزه فکری مورد نظر و توجه قرار می گیرد ادیان و معنویت های جدید جنبش هایی هستند که در سال های اخیر با محوریت قرار دادن مسایل دینی و معنوی بشر اقوام به تشکیل نهادهای دینی یا معنوی مستقل نموده و در پی ارائه الگویی جدید برای رویکرد دینی و معنوی بشر برآمده اند. هدف اصلی این جنبش ها به معرفی عناصر اصلی و بنیادین این جریان ها پرداخته است هدف از این جنبش ها و بیان اصلی تشکیل دهنده آن در قدم اول شناسایی این جنبش ها و جریان ها در جامعه کنونی و همچنین کشف ماهیت حقیقی و ارتباط درونی آن ها با جوامع مولدشان است بررسی و تبیین درست مسایل و معرفی که در خود شرایط و بستر شکل گیری را به نحوی آشکار بیان نموده و به تفاوت های اجتماعی میان جامعه مبدأ و سایر جوامع اشاره می کند که بین دین و معنویت تفاوت است دین پدیده ای اجتماعی و متضمن نهادهای اجتماعی است که قواعد و مناسک، میثاق ها و تشریفات رسمی را دارا است از سوی دیگر معنویت تجارب شخصی فردی است که عموماً با نوعی دین رسمی در ارتباط می باشد اما ضرورتاً با دین سازمان یافته تلقی نمی شود در مورد شمول دین بر معنویت و یا معنویت بر دین نظرات مختلف و متنوعی وجود دارد. در زمینه اخلاق هم باید به این موضوع اشاره کرد که مبانی نسبی اخلاق در پست مدرنیسم از هیچ روی با اخلاق دینی و آسمانی منطبق نمی شود در حالت نسبیت اخلاقی ما ارزش های ثابت و بدون تغییر که در هر مکان و زمان قابل قبول و لازم الاجرا باشند نداریم و فقط شرایط است که تعیین کننده نوع اخلاق افراد است و اگر کاری حتی با مبانی اخلاق سازگاری نداشت اما می توانست انسان را به هدف

خود برساند پس این عمل اخلاقی است یا این که صداقت، عدالت، خیر، نیکی و... همه مفاهیمی نسبی هستند که ما نمی‌توانیم به مطلق بودن آن تکیه کنیم در حالی که اخلاق دینی یا آسمانی دارای مبانی کاملاً مطلق، مشخص و غیر قابل تغییر است و در هر شرایط زمانی و مکانی بدون تغییر اجرا می‌شود وظایف اخلاقی انسان‌ها در پیشگاه خداوند تغییر ناپذیر هستند و در حالی تکلیف محسوب می‌شوند شاید انسان‌های روشنفکر عصر پست مدرن این ایراد را وارد نمایند که این تکالیف سخت و سنگین و اجرای آن برای انسان غیر ممکن است اما باید اشاره کرد که خداوند بر اساس توانایی انسان‌ها برای آن‌ها تکلیف معین می‌کند. دنیای جدید نیازمند سازمانهای جدید است و سازمانهای جدید نیازمند رهبران جدید هستند. رهبرانی که علاوه بر منطق عقلایی و آموزه‌های کلاسیک سازمان‌های عصر مدرنیته، مجهز به ابزار تفکر جدید بر پایه درک ارزشها، احساسات بوده و معتقد به دخالت عوامل مختلف در تصمیم‌گیری هستند. مدیریت و رهبری در آینده نیازمند درک بهتر از روابط پیچیده درون و برون سازمانهای نوگراست. رهبری برای رویارویی با سازمانهای پسانوگرا و افراد جدید نیازمند تحمل متغیر است. تنوع و خلاقیت در زیردستان باید توسط رهبران سازمانها پرورش یابد. علت‌های چندگانه، تفکر ارزشی و زیباشناسانه و واقعیت‌های سازنده مورد پذیرش و مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند. پست مدرنیسم یک جریان و جنبش فکری-انتقادی است که در واکنش به بحران‌ها و ناکامی‌های دوران مدرن شکل گرفته است. اندیشه‌های متفکران این نحله فکری به دلیل این که پیچیده و مبهم سخن گفته‌اند، در معرض تفاسیر مختلف و متناقض قرار گرفته‌اند.

به صورت کلی در جوامع اسلامی دو نوع نگرش نسبت به پست مدرنیسم شکل گرفته است: نگاهی که دوران پست مدرن را عصر پذیرش فرهنگ‌های متنوع و بازگشت به ارزش‌ها و ایمان تلقی نموده‌اند. نگاهی که آن را دوره ویرانگری، نسبییت و متزلزل شدن باورها دانسته‌اند. نمی‌توان به پسامدرنیسم به دلیل جوهرستیزی، خردستیزی و تضادشان با میناگرایی و روایت‌های کلی، نگاه مثبت داشت و آن را عصر بازگشت به ارزش‌ها و ایمان تلقی کرد. در حقیقت، پسامدرنیسم نمی‌تواند با ادیان توحیدی و به ویژه دین اسلام، که دارای مبانی ثابت و روایت‌های کلان است، سازگاری و همسویی داشته باشد.

بنابراین با توجه به ویژگی‌های پست مدرنیسم متوجه می‌شویم که تحقق تربیت-اخلاقی پست مدرن ممکن است در جامعه اسلامی به نفی منابع مقتدر و به نفی روند الگوگرایی، به نفی مبانی متافیزیکی ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی حاکم بر تربیت-اخلاقی منجر شود، در صورتی که در تربیت اسلامی به مبانی متافیزیکی، مبانی ارزش‌شناسی و تئوری‌های پیشین معتقد هستیم و تربیت-اخلاقی از منظر اسلام، تربیتی مبتنی بر الگوهاست. پس می‌توان به این مطلب اذعان کرد که، خطر اندیشه‌ی پست مدرنیسم در خصوص ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی به مراتب بیشتر از اندیشه‌های عصر مدرن است؛ زیرا پست مدرنیسم با میناگرایی در تضاد است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان تامین شد.

References

1. Flick, Uwe (2000). De inquisitione qualitativa. Tehran: Ney Publishing(in persian)
2. Bagheri, Khosrow (2019). Educatio et educatio in prospectu postmodernismi, Acta Psychologiae et Scientiarum Educationis, Universitas Tehran, annus secundus, numerus 1-4, Tehran(in persian)
3. Beheshti, Saeed et Nikoyi, Roshank (2009). Explorationes circa philosophiam educationis religiosae ex contextu Islamicae(in persian)
4. Tajik (2000) Transmodernismum et Discursus Analysis, Scientia Educationis Institutum Progressum. Philosophia Islamica et Kalam Quarterly, 23, 165-187. (in Persian)
5. Tawheed Pham Mohammad (2009), Discursus Ethicae et Politicae in paradigma moderna et postmodernitatis, Acta Legis et Scientiae Politicae, N. 54, p.(in Persian)
6. Ward, Glenn (2011), Ethica Educationis in Postmodernismo, translata a Qadir Ranjbari, Sohriya Publications.(in Persian)
7. Gellner, E.(2003). Postmodernism, reason and religion, Taylor & Francis e-Library.
8. Jackson, L.(2007). Nietzsche and the Paradox of Postmodern Education. Philosophical Studies in Education ,Volume 38,,51-59.
9. Lyotard, S.F. (1986). Toward a postmodernism condition: A Report of knowledge. Manchester university of Min.
10. Saltery.P. (1999). Curriculum Development in the postmodern Era. Feminism and Education.